



معرفی و نقد کتاب

• محمد خدایاری فرد

مسئله «انتظار بشر از دین» از مسائل تقریباً نوپیدا در عرصه فرهنگی ماست که چندین سال است با توجه جدی اندیشه‌وران و دین‌پژوهان روبه‌رو شده و هر یک از آنان در چارچوب برداشت‌های خود از دین، به تبیین و بررسی آن پرداخته‌اند.

کتاب انتظارات بشر از دین نوشته عبدالحسین خسروپناه از پژوهش‌های جدیدی است که به بررسی همه‌جانبه و جامع این موضوع پرداخته‌است. انتظارات بشر از دین در اصل، عنوان پایان‌نامه دکتری مؤلف آن بوده است که برای دریافت مدرک دکتری در رشته تخصصی کلام اسلامی از آن دفاع شده است.

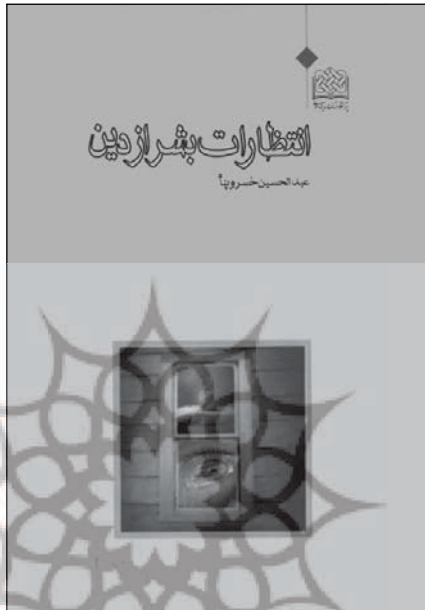
کتاب با نوشتاری که امضای «پژوهش‌کده حکمت و دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» را در پایان آن دارد، آغاز می‌شود. برخی از عباراتی که در این «پیشگفتار» به کار رفته درخوریک پژوهش علمی نیست و خواننده فرهیخته این‌گونه آثار، انتظار ندارد در یک نوشته علمی، به‌ویژه در پیشانی آن، با عبارات و واژگان خطابی و شعاری و به دور از ادب و اخلاق علمی رو به رو شود. با توجه به آنکه این اثر به جز جنبه پژوهشی و علمی برای آموزش طلاب و دانشجویان نیز استفاده خواهد شد، پیشنهاد می‌شود در چاپ‌های بعدی، نوشتاری علمی جایگزین این «پیشگفتار» شود. ضعف این نوشتار را، مکتوب محققانه آیت‌الله جعفر سبحانی که در آمدی بر مسئله «انتظار بشر از دین» به شماری آید، تا حدودی جبران کرده است. وی در این نوشتار کوتاه ولی راهگشا و مفید، به تبیین محورها و زوایای گوناگون این مسئله می‌پردازد. کتاب شامل مقدمه و چهار بخش است. هر بخش از چند فصل تشکیل شده است. پنج فصل بخش اول، شامل مبادی تصویری مسئله یعنی انتظار بشر از دین، تعاریف دین، تبیین و تحلیل مسئله انتظار بشر از دین به لحاظ تاریخی، منطق و روش‌شناختی، جایگاه علمی مسئله و تعریف دین‌پژوهی، فواید و ثمرات بحث، و روش‌شناسی است. در قسمت دین‌پژوهی از سه رویکرد درون‌متون دینی، برون‌متون دینی و جمع برون و درون‌متون دینی سخن به میان آمده است و در نهایت نویسنده با نقد دو رویکرد اول و دوم، رویکرد سوم یعنی روش جمع درون و برون‌متون دینی را که با بهره‌گیری از کتاب، سنت، عقل، تجربه و تاریخ است برمی‌گزیند و مدل مکتب تفکیک را نیز تبیین و تحلیل می‌کند.

در هفت فصل بخش دوم کتاب، به دیدگاه‌های اندیشه‌وران غربی و مکاتب فلسفی غرب در سه مقطع تاریخی پیش از قرون وسطا، قرون وسطا و مقطع رنسانس و دوران معاصر پرداخته شده است. مؤلف بر این باور است که

انتظارات بشر از دین

■ انتظارات بشر از دین
■ عبدالحسین خسروپناه
■ مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر
(مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)
■ چاپ اول، ۱۳۸۲ خورشیدی





متون دینی، انتظار اعتدالی از دین است؛ یعنی رسالت پیامبران، به تأمین آخرت یا تبیین رابطه انسان با خداوند منحصر نمی‌شود، بلکه به مسائل و ابعاد دیگر انسانی هم به طور مستقیم یا غیرمستقیم پرداخته است. بنابراین با وجود این که اسلام سکولاریسم را نمی‌پذیرد ولی نافی علوم تجربی طبیعی نیست و از نقش دین در این علوم نیز غفلت نمی‌کند. تفاوت این نظریه با نظریه‌های انتظار حداقلی این است که انتظارات بشر از دین در این نظریه، به رابطه انسان با خدا محدود نشده و نیز تفاوت نظریه برگزیده با انتظار حداکثری این است که جملگی نیازهای بشر در کتاب و سنت ذکر نشده است حتی نمی‌توان ادعا

کرد که همه نیازهای کلی بشر در کتاب و سنت بیان شده؛ به گونه‌ای که دیگر جزئیات و مصادیق از طریق استنتاج از همان کلیات به دست آمده باشد. البته نگاه درون دینی به آیات و روایات نشان می‌دهد که وصف‌ها و سفارش‌های علمی در کتاب و سنت در عرصه علوم طبیعی از جمله بهداشت و درمان، نجوم و هیئت، زمین‌شناسی، آسمان‌شناسی، کشاورزی، صنعتگری، نظامی و انتظامی، علوم انسانی از جمله اقتصاد، تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی؛ علوم سیاسی و سایر علوم یافت می‌شود. ولی اولاً نمی‌توان از این آموزه‌ها، بی‌نیازی بشر به عقل و تجربه در عرصه علوم رانتیجه گرفت و عقلانیت ابزاری و تدبیر عقلانی و استقرای تجربی را به حاشیه راند، زیرا کتاب و سنت فقط به بخش اندکی از نیازهای بشر در این دامنه پرداخته است. ثانیاً یکی از مهم‌ترین اهداف دین در بیان نقلی این آموزه‌ها این است که با کمک اعجاز علمی، به حقانیت خود مدد رساند تا سعادت دنیایی و آخرتی انسان‌ها فراهم آید. ثالثاً اگر مقوله علم دینی پذیرفته شود، آموزه‌های غیرتجربی قرآنی و روایی در تفسیر عالم طبیعت تأثیرگذار است و این تأثیرمی‌تواند در گزاره‌ها و نظریه‌های علمی تجربی ظهور یابد؛ از این جهت نیز می‌توان به نقش و کارکرد دین در علوم تجربی دست یافت.

هرچند مؤلف کتاب به سبب تتبع فراوان، زحمت بسیاری را در تألیف آن متحمل شده، ولی چون مجموعه چاپ شده حاصل کار پایان‌نامه دکتری وی است، اشارات ذیل تقدیم می‌شود تا هم در صورت صلاحدید مؤلف در چاپ‌های بعدی اصلاح شود و هم در کارهای تازه‌ای که دانشجویان

پیش از قرون وسطا به مسئله انتظار بشر از دین، کمتر توجه شده است؛ ولی در قرون وسطا، مسیحیان با روش‌های برون متون دینی، یعنی تعقل و شهود، انتظارات گسترده‌ای از دین مسیحیت داشتند و حاکمیت دین را بر جملگی شؤون فردی و اجتماعی پذیرا شدند. تبیین و کشف دقیق دیدگاه‌های اندیشه‌وران مغرب‌زمین در مقطع رنسانس و دوران معاصر در باب انتظار بشر از دین به نظریات آنها در باب رابطه عقل و دین و علم و دین و خاستگاه دین وابستگی تام دارد. در این دوران علاوه بر تقابل نگرش انسان با آموزه‌های دست‌اندرکاران کلیسا، پیشرفت‌های علمی نیز با آموزه‌های کلیسا

در تعارض قرار گرفت. این چالش‌ها به انضمام بی‌اعتباری متون مقدس مسیحیت، سبب شد تا دیدگاه انتظار حداقلی از دین مطرح شود و این انتظار از دین در قرن بیستم احیا شد.

در این بخش، دیدگاه‌های دانشمندانی چون گالیله، کانت، دورکیم، مارکس، وبر، شالایر ماخر، تیلیش، استیس، هیک، فروید، یونگ و فروم مورد تحلیل و نقد قرار گرفته و مکتب‌هایی مانند دئیسم، اگزیستانسیالیسم، پوزیتیویسم و فلسفه تحلیل زبانی در باب انتظار بشر از دین، تبیین و توضیح داده شده است، که یا به نفی هرگونه انتظار از دین نظر داده یا با رویکرد کارکردگرایانه و تجربی و زبان‌شناختی به انتظار حداقلی بسنده کرده‌اند.

در بخش سوم کتاب، شامل چهار فصل، دیدگاه‌های اندیشه‌وران اسلامی درباره انتظار بشر از دین مطرح شده است؛ این دیدگاه‌ها عبارت است از دیدگاه‌های فلاسفه، متکلمان شیعه و اهل سنت و عارفان اسلامی که به نظر مؤلف در پنج رویکرد به این مبحث پرداخته‌اند: خداگرایانه و باطن‌مدارانه؛ دنیاگرایانه؛ تفریطی؛ عدالت‌گرایانه، بر مبنای حقوقی؛ ایدئولوژی گرایانه و دنیاگرایانه افراطی و دیدگاه جامع‌نگرانه اعتدالی. در پایان بخش سوم ضمن تبیین و تحلیل دیدگاه عارفان، رسیدن به مقام انسان کامل را فقط از این راه میسر دانسته و گفته شده که انتظار عارفان از دین، انتظار حداکثری است.

و سرانجام بخش چهارم به نظریه برگزیده درباره انتظار بشر از دین اختصاص دارد. نظریه برگزیده با استفاده از روش‌های درون و برون



دوره‌های دکتری در چنین زمینه‌هایی تصمیم به پژوهش دارند در نظر گرفته و رعایت شود:

۱. رساله دکتری باید در تولید علم مشارکت داشته باشد و دارای مطالب

نو و تازه باشد. مؤلف در این رساله، هیچ موضوع تازه‌ای را مطرح نکرده است. تمام تلاش مؤلف این است که ثابت کند اسلام سکولاریسم را قبول ندارد و نافی علوم تجربی نیز نیست و به نقش دین در خطوط کلی مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی صحنه می‌گذارد. از طرفی این نظریه که عده‌ای باور دارند جملگی نیازهای بشر از جزئی و کلی را باید از کتاب و سنت جست و دانش و تجربه را کنار گذاشت، رد می‌کند. ضمناً بر مرجع بودن دین در اصول کلی نیازهای بشری در همه عرصه‌ها اصرار دارد. این مطلب، موضوع جدیدی نیست که به

دانش بشر چیزی بیفزاید، بلکه به کرات یا در کتاب‌ها و مقالات متعددی به طور مستقل بدان پرداخته شده یا ضمن آثار و نگاشته‌های فراوان مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. در روش‌شناسی تحقیق وقتی پژوهشگری سؤالات تحقیق را مطرح می‌کند، باید مشخص سازد که این سؤالات از کدام یک از تحقیقات پیشین برخاسته است و مؤلف این روش علمی را اتخاذ کرده است. ولی در مقدمه کتاب که به «علت انتخاب موضوع» پرداخته بیش از سی پرسش اساسی درباره معرفت‌شناسی معارف دینی، انتظار بشر از دین و تعارض علم و دین مطرح می‌کند که پاسخ دادن به هر یک از آنها پژوهش جداگانه‌ای را می‌طلبد. به علاوه مشخص نکرده است به چه منظوری این پرسش‌ها را مطرح می‌کند بدون این که بتواند درباره آنها تحقیق کند یا این پرسش‌ها چه ارتباطی به این پژوهش دارد؟ البته در بررسی کلی کتاب، روشن می‌شود که مؤلف بر آن بوده تا به بهانه‌های مختلف پاسخ‌هایی نظری برای این پرسش‌ها مهیا سازد ولی بدیهی است که این گونه پاسخ دادن مبتنی بر روش علمی تحقیق نیست. بلافاصله بعد از طرح سؤالات تحقیق، فرضیه اصلی و فرضیه‌های رقیب نوشته شده که این هم برخلاف روش‌های معمول تحقیق است، مگر در قسمت بحث و نتیجه‌گیری که محقق هم‌سویی یا عدم هم‌سویی یافته‌های پژوهش خود را با نتایج تحقیقات گذشته بیاورد و اگر عدم هم‌سویی وجود دارد، دلایل و توجیهات علمی خود را ذکر کند که هیچ‌یک از این روش‌ها در این کتاب به کار گرفته نشده است.

۳. مطالبی که به عنوان «هدف تحقیق» آمده است، بیشتر با ضرورت و اهمیت تحقیق ارتباط پیدامی‌کند و نه با هدف تحقیق. همچنین مؤلف می‌نویسد: «تفصیل اهداف این تحقیق در فصل «فواید و ثمرات بحث» روشن می‌شود». اما با مراجعه به فصل چهارم، یعنی فواید و ثمرات

بحث درمی‌یابیم که در این فصل چهار صفحه‌ای نیز بیشتر مطالب به ضرورت و اهمیت تحقیق بازمی‌گردد و نه به هدف تحقیق. به علاوه این پرسش‌ها مطرح می‌شود که فواید و ثمرات بحث یابه عبارت دیگر ضرورت و اهمیت تحقیق چرا باید در فصل چهارم بیاید؟ به چه علت روش‌شناسی مسئله، دوباره در فصل پنجم نوشته می‌شود؟ یا چرا جایگاه علمی مسئله در فصل سوم آمده است؟ روشن است که نویسنده برخلاف اصول تنظیم فصول پژوهش، فصل‌بندی جدیدی از خود نوشته است که با هیچ یک از اصول مدون علمی مطابقت ندارد.

۴. کتاب حاضر علاوه بر این که به عنوان

رساله دکتری نویسنده مشکل روش شناختی دارد، از نظرویرایش و شیوه استنادات دارای اشکالات

فراوانی است که پیشنهاد می‌شود برای چاپ بعدی، به نظر یک ویراستار قابل برسد. برای نمونه در صفحه ۲۹ پاراگراف آخر، روشن نشده است که چه تفاوتی بین «فن تحقیق» و «روش تحقیق» وجود دارد.

همچنین پژوهشگر مطالب فراوانی را بدون ذکر منابع مطرح کرده است. برای مثال در صفحه ۳۵ پاراگراف دوم آمده است: «واژه انتظار در این نوشتار، به معنای انگیزه و نیاز، به کار می‌رود» و هیچ منبعی برای این تعریف ارائه نشده است. سپس می‌نویسد: «انتظار، نوعی نیاز متوقعانه است که شخص منتظر را ذی‌حقی قلمداد می‌کند؛ ولی نیاز، اعم از این است که نیازمند، محقق باشد یا نباشد» و منبعی برای این جداسازی ذکر نکرده است. کتاب از نظر شیوه استنادات و ارجاعات ضعف اساسی دارد و نگارنده این سطور در مطالعه اجمالی آن، به نقائص بسیاری در این زمینه برخورد کرد.

۵. مؤلف در جای جای این کتاب، همان‌گونه که در مقدمه نیز تصریح کرده است، به نقد و رد دیدگاه‌های فیلسوفان و دانشمندان بزرگ غربی پرداخته و مکاتب مختلف را مورد نقد قرار داده است. در این باره دو موضوع شایان ذکر است: الف) فهم دقیق و درک همه جانبه نظریات یکی از این دانشمندان یا مکاتب و سپس نقد و بررسی آن، نیازمند مطالعه دقیق آثار آنان است و نقد و نظریات بسیاری از دانشمندان و مکاتب، در یک نوشته، ادعایی بیش نیست؛ ب) برای نقد و رد یک نظریه در پژوهش آکادمیک و علمی، نخست باید آن را به دقت فهمید. برای فهم یک نظریه، در درجه اول بایستی به منابع اصلی و نوشته‌های صاحب آن نظر به مراجعه کرد؛ حال آن که ارجاعات کتاب بیشتر به ترجمه‌ها و منابع دست دوم و سوم است. برای نمونه، احتمال عدم فهم صحیح دیدگاه‌های روانشناسانی چون فروید و یونگ در این کتاب وجود دارد، چون مؤلف حتی در یک مورد، به کتاب و مقاله‌ای از خود این دو روانشناس بزرگ مراجعه نکرده است.

